

متن پرسش

سلام علیکم: متن زیر گزارشی اجمالی از دیدگاه‌های یکی از متفکرین معاصر نسبت به امکان تاسیس تمدن اسلامی است که خدمتتان تقدیم می‌گردد. حاشیه‌نگاری شما به این نظرات البته برای علاقمندان به مباحث حضرتعالی مایه امتنان است. عبدالکریمی معتقد است که ادعای تاسیس تمدن اسلامی از توهم انسان در نشناختن حد و حدود خود برمی‌خیزد و ایشان معتقد است انسان در این دیدگاه خود را خدایی می‌داند که می‌تواند مقدرات آینده را تغییر دهد و این عمیق‌ترین نوع امانیسم است. نکته دیگری که عبدالکریمی مطرح می‌کند این است که طرح چیزی به نام تمدن اسلامی حاصل یک عقل انتزاعی است و نه یک عقل انضمامی یعنی اگرچه تمدن اسلامی امکان منطقی دارد اما هرگز امکان وجودی در شرایط حاضر را ندارد. طرح امکان تمدن اسلامی مثل این است که بگوییم عبدالکریمی می‌تواند فوتبالیست شود این اگرچه در ذهن ممکن است اما واقعیت‌های تاریخی از امکان وجودی آن جلوگیری می‌کند. به گفته عبدالکریمی واقعیت‌های امروز جامعه ما و این بی‌نظمی حاکم بر آن ما را در موقعیتی قرار داده است که حتی امکان طرح تمدن اسلامی هم برای این جامعه به مقدار فوتبالیست شدن یک فرد شصت ساله خنده‌دار باشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- اگر معنای اومانیسم آن است که ما هیچ ادعایی نداشته باشیم و هیچ اقدامی نکنیم، وگرنه ادعای خدایی کرده‌ایم و به عمیق‌ترین نوع اومانیسم دچار می‌شویم؛ پس نباید تصمیمی در حدّ ساختن یک خانه هم بگیریم. این‌جا است که عرض می‌کنم این بدترین شکل نسبت به فهم سخن هایدگر است که از درک مقدرات و عمل بر اساس مقدرات تاریخی، آقای عبدالکریمی جبر صرف می‌فهمد و علتش آن است که متأسفانه بیش از آن که سخن آن فیلسوف را بفهمد و در تاریخ خود فکر کند، آن سخنان را از حفظ کرده و نمی‌داند کجا به کار ببرد. یادت هست که در جواب سؤال شماره‌ی ۱۳۷۹۰ که در رابطه با مبانی فکری و مباحث بیژن عبدالکریمی سؤال شد، بنده عرض کردم: باسمة تعالی: سلام علیکم: ایشان در صحبت‌هایشان از واژه‌های فنومنولوژی و فلسفه‌ی هایدگر استفاده می‌کند، بدون آن که درک حضوری لازم را از نگاه هایدگر داشته باشد. در حالی که شرط فهم فلسفه‌ی هایدگر عبور از متافیزیک بود به معنای واقعی آن و نه در لفظ. لذا آن درک حضوری که امثال دکتر فرید و دکتر داوری از هایدگر به دست آورده‌اند و در تاریخ خود حاضر شدند را در نوشته‌ها و سخنرانی‌های آقای عبدالکریمی نمی‌یابیم و از این جهت می‌توان گفت نگاه آقای عبدالکریمی به عالم و

آدم سخت، انتزاعی است طوری که هرگز نتوانسته‌اند تاریخ خود را درک کنند، حتی وقتی که از «وجود» و یا تاریخ و زمان سخن می‌گویند، نگاه انتزاعی و مفهومی به موضوع دارند و بیشتر واژه‌های هایدگری را به‌عنوان معلومات به‌کار می‌برند نه آن‌طور که «وجود» را در زمان حس کنند و حادثه‌ها را تاریخی ببینند. کارشان بیشتر شبیه آن‌کسی است که دید در بازاری که حیوانات را می‌فروشند وقتی طرف گفت گاو من آبستن است، زودتر و بهتر گاو او را خریدند. لذا وقتی از دختر او خواستگاری کردند، گفت دختر من حامله نیز می‌باشد. زیرا درک درستی از جایگاه موضوعات نداشت. بنده سراسر تفکر آقای عبدالکریمی را از این نوع می‌دانم که در یک بی‌تاریخی آزاردهنده‌ای به‌سر می‌برند و خوانندگان خود را گرفتار بی‌تاریخی و سرگردانی می‌کنند. به تجربه نیز معلوم شده افرادی که به ایشان نزدیک شده‌اند نسبت به انقلاب اسلامی، این زیباترین حضور تاریخی در این دوران، بیگانه گشته‌اند در عین آن‌که در تفکر خود مغرور و نسبت به همه‌ی اندیشه‌ها به چشم حقارت می‌نگرند، همه را متهم به نگاه ایدئولوژیک می‌نمایند در حالی‌که همواره ما باید از راه و امکان رسیدن به مقصد پرسش کنیم و در عین چشم‌برداشتن از ایده‌آل‌ها، چگونه رسیدن به آرمان‌ها را مد نظر قرار دهیم. پیمودن راه، بدون شناخت و درک جهان موجود □ جهانی که انقلاب اسلامی نیز به عنوان یک واقعیت در آن وجود دارد - میسر نمی‌شود. ما در عالمی که هستیم بستگی‌هایی داریم و هزار بند تاریخی به دست و پیمان بسته است. آیا باید این‌همه موانع تاریخی را نادیده گرفت و از انقلاب اسلامی چیزی را مطالبه کرد که بیشتر در خیال اتوپیاپردازان پرورش یافته است و بعد که نمی‌توانیم به آن آرمان‌ها برسیم، ناآگاهانه چشم‌ها را به ادامه‌ی غرب بیندازیم، غافل از این‌که باید زمین را برای شکفتن گل و گیاه آماده کرد و از قدم‌گذاشتن در کوچه‌های پر گل و لای واقعیات نهراسیم. ۲- در این‌که واقعیت تاریخی ما چندان توانایی تحقق کمال تمدن اسلامی را به نحو آرمانی آن ندارد، بحثی نیست. ولی باید متوجه بود آیا تمدن اسلامی به معنای حضور نور رحمت خدا در مناسبات اجتماعی یک امر تشکیکی است و اگر وجه ضعیف آن در صحنه است، افق وجه شدید یافته‌ی آن منتفی نیست. و این باز، غفلتی است که امثال آقای عبدالکریمی به جهت عدم توجه به ذات اِشراقی انقلاب اسلامی بدان گرفتارند. موفق باشید